



تاریخ: 01/06/2016

معرفی و نوشته: احمد فواد ارسلا

ماستری در مطالعات تحلیل استخباراتی
 ماستری در مطالعات امنیت ملی/منطقه ای
 تمرکز در آسیای جنوبی/مرکزی/خلیج عرب/فارس

کودتای میوندوال بر اساس خاطرات باز محمد منگل در کتاب شهبوار سنگروال نیازی

در مورد کودتا، قتل و یا خودکشی مرحوم میوندوال و موقف شهید سردار داود خان از سال 1352 به این طرف نظریات، مقالات، و رساله های زیادی نوشته شده است و این موضوع هنوز هم منحصی یک موضوع مهم تاریخی که ضرورت به روشنی انداختن بیشتر دارد شمرده میشود. یک تعداد از نویسندگان با شخص سردار داود خان دشمنی عمیق دارند و از آن دیدگاه موضوع کودتای میوندوال و خودکشی و یا قتل وی را تحلیل نموده و مینمایند و هر چه سند و دلیل دارند برای نظریه از پیش ساخته شده ای خود تهیه مینمایند. یک تعداد دیگر نظر به ملحوظات فامیلی و سیاسی و شخصی خود برای تقویه نظریه از پیش ساخته شده خود مبنی بر بیگناهی و مظلومیت مرحوم میوندوال سند و دلیل و برهان و شهادت جمع آوری و آن را منحصی تحقیق بیطرفانه و علمی و تاریخی قلمداد میکنند. یک تعداد دیگر هم برای مقاصد شخصی، حزبی، سیاسی و یا تبرئه اعمال شخصی خود و گذشته خود با این گروپ و یا آن گروپ غم شریک و نظر شریک میشوند و کتاب و مقاله و نقل قول و غیره میسازند و بعداً همین نظریه ها و نقل قول های قصدی منحصی سند در این یا آن به اصطلاح تحقیق مورد استفاده قرار میگیرند. یک تعداد دیگر هم معلومات را تا آنجا که برای شان معلوم است تحلیل و عرضه میدارند و کوشش میکنند که قضاوت یکطرفه نکنند.

در همین ارتباط یکی از کتاب های که اخیراً نشر شده است (2013) تحت عنوان "یادداشت های از چشم دید ها از خیمه تا ارگ شاهی" نوشته محترم شهبوار سنگروال نیازی است که یک فصل در مورد کودتا، قتل و یا خودکشی مرحوم میوندوال هم دارد. کتاب "یادداشت های از چشم دید ها از خیمه تا ارگ شاهی" که به طرز شیوا و عالمانه در زبان پشتو، یکی از دو زبان رسمی ملی افغانستان، نوشته شده است بر اساس یادداشت های از چشم دید های مرحوم باز محمد خان منگل تهیه و ترتیب شده است. گرچه سرتاسر کتاب تشریح تصاویر عینی و دلچسپ وقایع افغانستان در دوران زنده گی مرحوم باز محمد خان منگل مبیاشد، و به نظر شخص من خاصتاً فصل تحلیل موضوع پشتونستان توسط محترم شهبوار سنگروال نیازی بسیار عالی، معلوماتی، آموزنده و دلچسپ نوشته شده است. اما در ارتباط با بحث فوق، طرز برخورد و تحلیل محترم شهبوار سنگروال نیازی در مورد کودتا، قتل و یا خودکشی مرحوم میوندوال نه اقامه دعوی است، نه دفاعیه، و نه شخصیت سازی و یا شخصیت شکنی. خوانندگان خواهند دید که طرز برخورد به موضوع کودتا، قتل و یا خودکشی مرحوم میوندوال یک طرفه نبوده و تا حد توان بر اساس معلومات موجود نوشته شده است.

قبل از تقدیم اصل ترجمه فصل چهارم کتاب، با احترام به خدمات صادقانه و شریفانه مرحوم باز محمد خان منگل برای افغانستان، ترجمه دری نثر پشتو را که محترم شهبوار سنگروال نیازی در آغاز کتاب تقدیم به وی نوشته شده است در اینجا نقل می کنم:

به ارواح پاک

یک افغان نامدار

یک خدمتگار واقعی

د پانو شمیره: له 1 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

آن انسان با همت و با افتخار که
به زنده گی پر از خوشحالی و آرامی
مردم علاقه داشت.

منظورم باز محمد خان منگل است
که شمله ای بلند و پر غرورش
مثل قله های کوه سپین غر
از فاصله های دور نمایان است.

اینک صفحات 80 تا 100 کتاب "یادداشت های از چشمدید ها از خیمه تا ارگ شاهی" که مربوط به کودتای مرحوم میوندوال است در ذیل به دری ترجمه شده و خدمت خواننده گان محترم تقدیم است :

منظره واقعی کودتای میوندوال

از زبان خانم استاد خلیلی چنین حکایتی شنیده شده است که میوندوال از راه فرانسه به کابل از طریق بغداد سفر کرده بود. در حکایت چنین آمده است :

به تاریخ 28 سرطان صدر اعظم سابق محمد هاشم میوندوال برای احوالپرسی استاد خلیلی به خانه ای ما در بغداد آمده بود مگر در آن وقت استاد خلیلی در کابل بود. من از میوندوال پرسیدم که آیا شما در بغداد خواهید ماند و یا به کدام مملکت دیگر خواهید رفت؟ میوندوال در جواب گفت که سردار صاحب جمهوریت را اعلان کرده اند و این مناسب نخواهد بود که در این وقت در کنار وی قرار نگیریم، این بر ما واجب است که در کنار سرسفید های خود قرار بگیریم و باید برای خدمت به وی آماده گی خود را اعلام کنیم. خانم استاد خلیلی حکایت کرده است که وی میوندوال را خطاب قرار داده و گفته است : هاشم جان یک چند وقت انتظار بکشید و ببینید که چه میشود بعداً به وطن بروید. خانم استاد خلیلی حکایت کرده است که میوندوال به جواب وی گفته است " به نظر من این خوبتر است که در یک چنین حالتی در وطن باشم."

وقتی یک چنین حکایت ها را میشنویم این شک در دل ها پیدا میشود که آیا واقعاً تصمیم کودتائی به رهبری میوندوال گرفته شده بود؟ مهمتر از این یادداشت چهارم باز محمد خان منگل است که در صفحه سوم آن از زبان وی چنین حکایت شده است:

محمد هاشم میوندوال از سال 1349 به بعد به خانه سردار محمد داود خان رفت و آمد داشت. وی ساعت ها با داود خان می نشست و با وی بر مسایل ملی و بین المللی صحبت میکرد؛ و این سلسله صحبت های آنها تا زمانی ادامه داشت که سردار داود خان بر سر قدرت قرار گرفت.

محمد قاسم باز از زبان پدر خود چنین حکایت میکند : یک روز که محمد هاشم میوندوال به دیدن سردار صاحب آمده بود و بعد از آنکه مثل گذشته صحبت های طولانی کردند میوندوال به سردار داود چنین گفت:

میوندوال: سردار صاحب گفتگوی ما و شما طول کشید میخوام از شما رخصت بگیرم.

سردار صاحب: نه فهمیدم رخصت چی؟

میوندوال: میخوام به خارج از وطن سفر کنم.

سردار صاحب: من مناسب نمی بینم که شما از وطن به خارج سفر کنید.

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

موقف محمد داود خان این بود که وی نمیخواست شخصیتی هوشیار مثل میوندوال را از دست بدهد وی میوندوال را یک بازی سیاسی برای خود محسوب میکرد.

یک وجه مشترک دیگری که هر دوی آنها داشتند این بود که هم داود خان و هم میوندوال علاقه به زنده گی سیاسی وطن خود داشتند، و هر دو به ترقی وطن علاقه داشتند. از طرف دیگر آنها یک ارتباط فامیلی هم داشتند به این تفصیل که خواهر عبدالله خان ملکیار خانم میوندوال بود و برادرزاده خانم میوندوال که دختر ملکیار میشد خانم پسر داود خان میشد.

اینکه در بین آنها عدم اعتماد و سوء تفاهم بوجود آمد در این بود که بعد از اینکه محمد هاشم میوندوال از وظیفه صدراعظمی حذف شد، یک تعداد عناصر چپی دست به پخش یک چنان آوازه ها کردند که میوندوال دست نشانده امریکا است. اما وقتی میوندوال در کنار سردار داود خان دیده می شد برای شوروی ها پریشانی ایجاد شد و آنها یک تعداد اشخاص را وظیفه دادند که در بین این دو شخصیت ملی افغانستان بی اعتباری را به وجود بیاورند.

وقتی داود خان بر سر قدرت آمد و اعضای کمیته مرکزی و کابینه اعلام شد دیده شد که اشخاص فهمیده و دارای تجربه ای کاری مثل میوندوال نه در کمیته مرکزی قرار دارند و نه در کابینه.

کمیته مرکزی به این شرح اعلان شد، محمد داود خان رئیس، محمد حسن شرف منشی، و اشخاص ذیل منحنیث اعضای کمیته مرکزی اعلام گردیدند، جنرال غلام حیدر رسولی، دگروال فایق و دگروال نورستانی، جگرن پاچاگل وفادار، جگنورن ضیا مجید، جگنورن عبدالحمید محتاط و سید عبدالاله. و کابینه به این شرح اعلان شده بود، محمد داود خان وظایف صدراعظم، وزیر دفاع و وزیر خارجه را هم به عهده داشت و داکتر محمد حسن شرف معاون صدراعظم، عبدالحمید وزیر عدلیه، فیض محمد وزیر داخله، سکندر وزیر صحت عامه، عبدالاله وزیر مالیه، خرم وزیر پلان، غوث الدین فایق وزیر فواید عامه، نوین وزیر اطلاعات و کلتور، پاچاگل وفادار وزیر سرحدات، عبدالحمید محتاط وزیر مخابرات، نعمت الله پژواک وزیر معارف، و قدیر نورستانی به عنوان قومندان عمومی ژاندارم و پولیس اعلان گردیدند. در عین زمان به خان محمد مرستیال هم توصیه شده بود که کار های وزارت دفاع را به پیش ببرد، مگر زود از کار برطرف شد. دگر جنرال عبدالکریم مستغنی به حیث لوی درستیز مقرر گردید. از جمله اشخاص تذکر داده شده در فوق 12 نفر صاحب منصبان پائین رتبه اردو بودند که از جمله آنها شش نفر عناصر دست چپی طرفدار شوروی بودند که برای آنها حزب شان مهمتر از رئیس جمهور بود. گذشته از آن نعمت الله پژواک هم که به حیث وزیر معارف مقرر شده بود در حدود 80 نفر معلمان دست چپی را در اختیار فیض محمد وزیر داخله قرار داد که وی هم آنها را منحنیث والی ها و ولسوال ها مقرر کرد که از این جمله میتوان از کریم خان عمرخیل، پدر صمد اظهر یاد آور شویم. یک تعداد از اعضای کابینه کودتا را منحنیث یک تحول شخصی برای خود فکر میکردند و این اشخاص به کسانی که به مزاج آنها برابر نبود موقع نمیدادند. همچنان این اشخاص به کسانی هم موقع نمی دادند که نام نیکی در خدمت به افغانستان بدست آورده بودند و یا با سردار محمد داود خان رابطه ای سابق خود را نگهداشته بودند و وجود آنکه عملاً در کودتا نقشی نداشتند. مثل محمد هاشم میوندوال که در وقت کودتا در فرانسه بود و با وجودی که میوندوال ذریعه ای یک تلگرام از فرانسه برقراری نظام جمهوریت را به سردار محمد داود خان تبریکی عرض کرد اما این چپی ها بر میوندال به نظر شک می دیدند. بعد از رسیدن به کابل، میوندوال با سردار محمد داود خان و نعیم خان ملاقات کرد و برداشت ها در آن روز ها در این بود که به میوندوال وظیفه داده شده است تا تدوین قانون اساسی را رهبری نماید و حتی برای وی دفتری در هتل انتر کانینتل کابل هم تخصیص داده شده بود. این که تا چه حد این آوازه ها درست بود قابل تحقیق است مگر این یک حقیقت است که این آوازه های برای میوندوال عواقب خوبی در بر نداشت بخاطری که دشمنان وی در کوشش بودند که در بین وی و سردار محمد داود بدبینی و سوء تفاهم ایجاد کنند. هنوز آوازه های فوق بلند بود که آوازه ای دیگری بلند شد که بر اساس آن محمد هاشم میوندوال منحنیث سفیر افغانستان به امریکا مقرر شده است که این آوازه تأثیر بدی بر شوروی ها داشت. به این معنی که با انجام این کار فرستادن میوندوال به حیث سفیر افغانستان به امریکا رابطه افغانستان و امریکا قوی تر و محکمتر خواهد شد. یک نمونه از این پریشانی شوروی ها در این است که حکایت مینمایند که در موقعی که از میوندوال به اتهام کودتا تحقیق میشد آنقدر بر شکم و دهن وی مشت ها و لگد ها زده شده بود که دهان وی پر از خون شده بود و بعد به وی میگفتند: بگو که آیا طب شوروی زیاده تر پیشرفته است یا از امریکا؟ اگر اینطور است پس چرا دندان هایت را در شوروی تداوی کردی، دندان هایت را هم مثل گرده هایت در امریکا تداوی میکردی؟

د پانوی شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در این جای شک نیست که میوندوال و یک تعدادی از دوستان وی موقف مخالف شوروی داشتند و به همین خاطر شوروی از این ترس داشت و این را هم میدانست که اگر میوندوال مؤفق شود که اعتماد سیاسی داود خان را بدست بیاورد حتماً افغانستان از دست آنها خواهد رفت و از منطقه خارج خواهند ماند.

مگر تا امروز به صورت دقیق معلوم نشده است که آیا محمد هاشم میوندوال و رفقای وی قصد کودتا را داشتند و یا بر آنها تهمت شد؟ اگر قصد کودتا را داشتند آیا این به خاطر این بود که داود خان به آنها جانی در قدرت دولتی نداده بود؟ و شاید هم شوروی به این نتیجه رسیده بود که طرفداران خود را به این تشویق کند که رئیس جمهور داود خان را تجرید کنند. به تریبی که نه در خانه برای وی دوستان باقی بمانند و نه در بیرون. ... البته وقایع بعدی نشان میدهد که محمد داود قربانی یک چنین توطئه شده بود.

در جواب به این سوال ها و سوال های زیاد دیگر یک تعداد از فرضیه ها از این قرار است:

1. یک تعداد از کودتاچیان با شدت زیاد در تلاش بودند تا محمد داود خان را از مردم و یک تعداد مامورین با سابقه و وطندوست دورنگهدارند و با تهمت های بی اساس یک تعداد شخصیت های اجتماعی و کار آمد را بی اعتبار بسازند. این کودتاچیان به سرعت به صورت سریع غلام سرور ناشر رئیس شرکت سپین زر را محبوس کردند، جنرال میر احمد شاه را گرفتار کردند و در مجموع وزارت داخله دست به کشتار های آشکار و پنهانی زد که از آن جمله یکی هم واقعه قلعه زمان خان را میتوان یاد آوری کرد.

2. از تاریخ 26 سرطان سال 1352 کی جی بی میوندوال را تحت تعقیب قرار داده بود و بر اساس اظهارات شاه زمان وریخ در صفحه 6 کتاب وی میوندوال و برادر خانم وی از کودتای اطلاعی نداشتند و قدیر نورستانی به شاه زمان وریخ گفته بود که میوندوال توسط صمد اظهر به قتل رسیده است.

3. حسن کاکر در کتابی زیر عنوان کودتای سرطان نوشته است که : کودتای میوندوال ثابت نشده است بخاطری که در این مورد هیچ شواهدی موجود نیست و اعترافات از وی (صفحه 65) در بندیکانه توسط لت و کوب بدست آورده شده است.....

4. جنرال اسماعیل رئیس مصنونیت ملی راپور های را در مورد تائید کودتا را به داود خان میداد. (کتاب افغانستان در چنگال کی جی بی صفحه 102) همچنین در صفحه 100 همین کتاب آمده است که تحت نظر گرفتن میوندوال توسط جنرال اسماعیل صورت میگرفت و بعد از اینکه میوندوال دستگیر شد توسط صمد اظهر به قتل رسانده شد.

5. عبدالحمید مبارز در کتاب خود بنام افغانستان در مورد میوندوال یک نقل قول از یک دوست میوندوال را آورده است که در اخبار مجاهد ولس از زبان وی چنین آمده بود: محمد هاشم میوندوال به تاریخ 29 سنبله سال 1352 به هدایت کی جی بی (صفحه 351) توسط پرچی ها به قتل رسانده شد.

6. اما یک تعداد دیگر به این عقیده هستند که پلان یک کودتا که در راس آن میوندوال خواهد بود ساخته شده بود اما در مورد این که میوندوال در این کودتا نقش داشت و یا از نام وی استفاده شده بود یکی از اشخاصی که به این کودتا ارتباط داشت جریان آن را در یک ملاقات با قاسم باز شرح کرده بود که خلاصه آن در ذیل عرضه میگردد:

قاسم باز حکایت میکند که صاحب سینمای آریوب حاجی محمد گل پیلوت در سال 1995 در شهر پشاور در مورد کودتای میوندوال چنین حکایت کرده بود.

من توسط قومندان سابق قوای هوایی جنرال عبدالرزاق خان در شرکت به این کودتا جذب شده بودم و من هم چند نفر دیگر را در شمولیت به این کودتا تشویق کرده بودم که به طور نمونه از جمله آنها گل پاچا پیلوت ظاهر شاه (پیلوت هلیکوپتر) و پادشاه سرباز قومندان امنیه سابق کابل را نام گرفته میتوانم. در همان شبی که یک تعداد افراد به اتهام شمولیت در این کودتا دستگیر شدند ، قومندان ژاندارم و پولیس محمد قدیر نورستانی که بعداً وزیر داخله شد در ساعت 4:30 عصر به من در خانه تیلیفون کرد و به من گفت که دولت از سه روز قبل از یک پلان کودتا باخبر شده است که تحت رهبری هاشم میوندوال و به کمک عبدالرزاق خان و خان محمد مرستیال کودتا میشود و قدیر نورستانی به من گفت که اسم من هم در جمله اعضای این کودتا موجود است. حاجی محمد گل پیلوت در صحبت خود به قاسم باز ادامه داده است که قدیر نورستانی به وی در آخر آن صحبت تیلیفونی گفته است که از آنجائی که وی (حاجی محمد گل پیلوت) یک دوست بسیار گراندقدر است این خبر به وی رسانده میشود

د پانیو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

که دولت همان شب شاملان این پلان کودتا را دستگیر مینماید. حاجی محمد گل پیلوت به قاسم باز گفته است که در همان لحظه ای که گوشک تیلیفون را گذاشته است دو تا برادر خود را هم با خود همراه کرده و با موتر شخصی خود مستقیماً به ایستادگاه سرویس های پکتیا که در دروازه لاهوری قرار داشت رفته اند و به طرف منطقه جاجی ولایت پکتیا حرکت کردند. وی ادامه داد که در همان شب به قریه زادگاه خود رسیده است و فردا صبح وقت از راه تیره منگل خود را به پاکستان رسانده است. حاجی محمد گل پیلوت به قاسم باز گفته است که همان شب در پاکستان از راه رادیو خبر دستگیر شدن کودتاچیان را شنیده بود. وی ادامه داده بود که به نظر میرسد که تقریباً یک ماه بعد از رسیدن وی به پاکستان دولت پاکستان از موجودیت وی در پاکستان خبر شده بود با وی در تماس شده بود و خانه ای را در منطقه فقیر آباد پشاور در اختیار وی قرار داده بود. حاجی محمد گل پیلوت به قاسم باز گفته بود که دولت پاکستان در مورد محمد داود خان نظر خوب نداشت. وی ادامه داده بود که در این وقت یک تعداد دیگر افغانان با وی در پشاور زنده گی میکردند که تعداد شان انگشت شمار بود، در حدود پانزده نفر، که مشهور ترین شان گلبدین حکمتیار، احمد شاه مسعود و مولوی حبیب الرحمان بودند. حاجی محمد گل پیلوت همچنان قصه کرد که چهار ماه بعد از آن دولت پاکستان به آنها شبنامه ها داد و از آنها خواست که شبنامه ها را در کابل و دیگر ولایات افغانستان پخش نمایند. وی ادامه داد که بر همان اساس به مولوی حبیب الرحمان وظیفه داده شد که شبنامه های را که در آن نوشته شده بود که محمد داود خان کمونیست است را در ولایات کابل، پروان، ننگرهار، لغمان و یک تعداد ولایت دیگر پخش نماید. حاجی محمد گل پیلوت حکایت میکرد که در آن وقت گلبدین حکمتیار شخص ارتباطی آنها با دولت پاکستان بود و چهار پنج ماه بعد از آن مولوی حبیب الرحمان در لغمان، احمد شاه مسعود در پنجشیر و عمر در بدخشان عملیاتی را بر ضد دولت محمد داود خان آغاز کردند که در نتیجه آن مولوی حبیب الرحمان در لغمان توسط مردم منطقه دستگیر و توسط دولت محبوس شد، احمد شاه مسعود از پنجشیر فرار کرد و عمر در بدخشان شهید شد. حاجی محمد گل پیلوت چنین ادامه داد که بعد از این که عملیات آنها به شکست مواجه شد برهان الدین ربانی از کابل فرار کرده و به پشاور آمد و نها همه که تعداد شان در حدود بیست تاسی نفر رسیده بود در یک حویلی زنده گی میکردند و دولت پاکستان به آنها معاش روزانه پنجاه کلدار میداد. وی میگفت که اصل مصرف نان و لباس و عملیات آنها را در ن وقت دولت لیبیا به عهده گرفته بود و اما تقسیمات مصارف توسط دولت پاکستان انجام داده میشد.

ما در مورد روابط هاشم میوندوال با محمد داود خان در صفحات قبلی صحبت کردیم، از طرف دیگر در صفحه هشت یادداشت های مرحوم باز محمد خان منگل در مورد روابط داود خان با خان محمد خان هم تذکراتی درج شده است. در این یادداشت ها آمده است که بعد از اینکه محمد اود خان از مقام صدارت استعفی کرد و خانه نشین شد خان محمد خان مرستیال هنوز هم به دیدن وی در خانه اش می آمد. مگر وقتی خان محمد خان محبوس شد یک خویشاوند نزدیک وی هم که در وقت گرفتاری خان محمد خان در خانه ای وی بود با وی یکجا محبوس گردید. یکی از خانم های خویشاوند خان محمد خان مرستیال در این وقت با خیاشنه قدیر نورستانی در مکتب امیر عبدالرحمان خان معلم بودند. این خام از خیاشنه قدیر نورستانی خواهش کرده بود که به وی کمک کند تا این خویشاوند بیگناه آنها را که در جمع کودتاچیان دستگیر و محبوس شده بود آزاد بسازند. خیاشنه قدیر نورستانی در جواب گفته بود که خودش در این مورد کمکی کرده نمیتواند اما کسی را به وی معرفی خواهد کرد که به بسیار آسانی این مشکل وی را حل نموده میتواند و آن شخص شاگرد صنف چهارم همان مکتب است بنام عمر که وی پسر باز محمد خان منگل است. عمر باز یک روز تمام این قصه را به پدر خود باز محمد خان منگل نمود و باز محمد خان به عمر هدایت داد که از معلم خود بخواهد که تمام این موضوع را در یک عریضه بنویسد و برایش بیاورد. عمر منگل عریضه را از معلم خود گرفته و به پدرش تسلیم کرد و وقتی باز محمد خان منگل عریضه را به محمد داود خان پیش کرد و داود خان از قصه بیگانهی آن شخص باخبر شد در همان لحظه در آن عریضه به وزارت داخله امر کرد که آن شخص بیگناه به زودترین فرصت ممکن آزاد شود.

به همین ترتیب اشخاص بیگناه بسیاری به نام کودتای میوندوال محبوس شدند از آنجمله میتوان به طور نمونه از وکیل کوچی های ننگرهار حاجی الله نظر، وکیل نازیان مولوی سیف الرحمان، کبل شهر جلال آباد حاجی فقیر محمد، وکیل مومند دره سعادت خان کمالی یاد آوری کرده میتوانیم. وکیلان متذکره برای عرض تیریکی وظیفه کوتاه مدت که داود خان به خان محمد خان هدایت داده بود به خانه خان محمد خان رفته بودند که در آن وقت خان محمد خان در خانه نبوده و آنها نوت ها ویا کارت های خود را برای خان محمد خان در خانه اش گذاشته بودند که همین کارت ها و یادداشت ها در وقت تلاشی بدست پولیس افتادو این ها هم بنام شمولیت در کودتای میوندوال دستگیر و محبوس شده بودند.

د پانیو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

بدبختانه در عقب هر کودتا این نوع واقعات غم انگیز وجود داشته است به طوری که ما شاهد یک تعداد اقدامات کودتا در زمان ظاهرشاه و بعد از آن بوده ایم که داستان آن ها از این قرار است.

ختم یادداشت های چهارم .

د پانوی شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ